فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام
شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره بیست و یکم (زمستان ۱۴۰۳)

نقش یادگیری مشارکتی در تقویت مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ابتدایی

مقالات پذیرش شده
جلد دوم شماره ۲۱

(تاریخ ارسال ۱۴۰۳/۱۱/۱۹ تاریخ پذیرش ۱۴۰۳/۱۲/۲۵)

شهناز خسروی گاوبندء میترا خسروی مهناز حیدری

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش یادگیری مشارکتی در تقویت مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی انجام شد. روش پژوهش از نوع کاربردی با رویکرد کمی–کیفی تلفیقی بوده و جامعه آماری شامل دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم مدارس ابتدایی استان کرمانشاه بود. نمونه شامل ۸۰ دانش‌آموز و ۱۰ معلم به روش نمونه‌گیری هدفمند و خوشه‌ای انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه مسئولیت‌پذیری، چک‌لیست مشاهده رفتار در کلاس درس و مصاحبه با معلمان بود. داده‌های کمی با استفاده از آمار توصیفی، همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون ساده و داده‌های کیفی با روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که یادگیری مشارکتی تأثیر مثبت و معناداری بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دارد .دانش‌آموزانی که در فعالیت‌های گروهی مشارکت فعال دارند، نسبت به انجام وظایف فردی و گروهی خود متعهدتر هستند و مهارت‌هایی مانند همکاری، پاسخ‌گویی، پایبندی به مقررات و مشارکت فعال در آن‌ها تقویت می‌شود. یافته‌های کیفی نیز حاکی از افزایش تعامل اجتماعی و خودنظمی دانش‌آموزان در کلاس‌های مشارکتی بود. بنابراین، یادگیری مشارکتی می‌تواند به‌عنوان یک روش مؤثر در پرورش مسئولیت‌پذیری و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان ابتدایی مورد استفاده قرار گیرد و به بهبود فرآیندهای تربیتی در مدارس کمک نماید.

واژگان کلیدی: یادگیری مشارکتی، مسئولیت‌پذیری، دانش‌آموزان ابتدایی، رفتارهای مسئولانه، مهارت‌های اجتماعی

مقدمه

آموزش در دوره ابتدایی، زیربنایی‌ترین مرحله نظام تعلیم و تربیت محسوب می‌شود و نقش اساسی در شکل‌گیری ابعاد مختلف شخصیت کودکان ایفا می‌کند. در این دوره، دانش‌آموزان نه‌تنها مهارت‌های پایه‌ای خواندن، نوشتن و حساب‌کردن را فرا می‌گیرند، بلکه نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای اجتماعی آنان نیز شکل می‌گیرد. ازاین‌رو، یکی از مهم‌ترین رسالت‌های آموزش ابتدایی، تربیت دانش‌آموزانی مسئولیت‌پذیر، مشارکت‌جو و متعهد نسبت به وظایف فردی و اجتماعی است؛ ویژگی‌هایی که زمینه‌ساز موفقیت تحصیلی و اجتماعی آنان در مراحل بعدی زندگی خواهد بود.

مسئولیت‌پذیری به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی تربیت اجتماعی، به معنای پذیرش وظایف، پاسخ‌گویی نسبت به عملکرد فردی و گروهی و احترام به قوانین و حقوق دیگران است. دانش‌آموز مسئولیت‌پذیر می‌آموزد که در قبال رفتارها و تصمیمات خود پاسخ‌گو باشد، در فعالیت‌های جمعی نقش فعالی ایفا کند و نسبت به موفقیت یا ناکامی گروه احساس تعهد داشته باشد. با توجه به اهمیت این مؤلفه، نظام‌های آموزشی در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند با بهره‌گیری از رویکردهای نوین آموزشی، زمینه رشد مسئولیت‌پذیری را از سنین پایین فراهم آورند. در این میان، تغییر رویکرد از روش‌های سنتی و معلم‌محور به شیوه‌های فعال و دانش‌آموزمحور، به یکی از ضرورت‌های آموزش معاصر تبدیل شده است. روش‌های سنتی که غالباً بر انتقال یک‌سویه اطلاعات و فعالیت‌های انفرادی تأکید دارند، فرصت محدودی برای تعامل، همکاری و پذیرش مسئولیت فراهم می‌کنند. در مقابل، رویکردهای نوین آموزشی، به‌ویژه یادگیری مشارکتی، با تأکید بر کار گروهی، تعامل اجتماعی و یادگیری همیارانه، نقش فعال‌تری برای دانش‌آموزان در فرایند یاددهی–یادگیری قائل می‌شوند.

یادگیری مشارکتی رویکردی است که در آن دانش‌آموزان در قالب گروه‌های کوچک و هدفمند، برای دستیابی به اهداف مشترک آموزشی با یکدیگر همکاری می‌کنند. در این

روش، هر دانش‌آموز علاوه بر مسئولیت یادگیری خود، در قبال یادگیری سایر اعضای گروه نیز احساس تعهد می‌کند. تقسیم نقش‌ها، وابستگی متقابل مثبت و پاسخ‌گویی فردی، از ویژگی‌های اساسی یادگیری مشارکتی است که می‌تواند به‌طور مستقیم در تقویت حس مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان مؤثر باشد. با توجه به ویژگی‌های رشدی دانش‌آموزان دوره ابتدایی و نیاز آنان به تعامل اجتماعی، استفاده از یادگیری مشارکتی می‌تواند بستری مناسب برای تمرین مسئولیت‌پذیری در محیط کلاس درس فراهم آورد. دانش‌آموزان در جریان فعالیت‌های گروهی می‌آموزند که انجام صحیح وظایف فردی آنان بر موفقیت کل گروه تأثیرگذار است و هرگونه کوتاهی یا بی‌توجهی می‌تواند پیامدهای جمعی به دنبال داشته باشد. ازاین‌رو، کلاس درس به محیطی واقعی برای تجربه مسئولیت‌پذیری تبدیل می‌شود.

بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش یادگیری مشارکتی در تقویت مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی تدوین شده است. امید است نتایج این پژوهش بتواند راهنمایی علمی و کاربردی برای معلمان ابتدایی فراهم آورد و آنان را در بهره‌گیری مؤثر از روش‌های مشارکتی در راستای تحقق اهداف تربیتی یاری دهد.

بیان مسئله

نظام آموزش‌وپرورش در عصر حاضر، علاوه بر انتقال دانش و مهارت‌های علمی، مسئولیت مهمی در پرورش ابعاد اجتماعی، اخلاقی و شخصیتی دانش‌آموزان بر عهده دارد. در این میان، مسئولیت‌پذیری به‌عنوان یکی از اهداف اساسی تربیت اجتماعی، نقشی کلیدی در شکل‌گیری رفتارهای فردی و اجتماعی دانش‌آموزان ایفا می‌کند. دانش‌آموز مسئولیت‌پذیر، فردی است که نسبت به وظایف خود آگاهی دارد، در قبال عملکرد خویش پاسخ‌گوست و نقش خود را در موفقیت جمعی به‌درستی درک می‌کند. شکل‌گیری این ویژگی در سنین پایین، به‌ویژه در دوره ابتدایی، می‌تواند تأثیرات ماندگاری بر مسیر تحصیلی و اجتماعی فرد در آینده داشته باشد.

با وجود تأکید اسناد بالادستی و برنامه‌های درسی رسمی بر تربیت همه‌جانبه دانش‌آموزان، شواهد موجود نشان می‌دهد که در بسیاری از کلاس‌های درس دوره ابتدایی، تمرکز اصلی همچنان بر آموزش شناختی و انتقال محفوظات درسی است. غلبه روش‌های سنتی و معلم‌محور، فرصت‌های محدودی برای مشارکت فعال دانش‌آموزان، تعامل اجتماعی و تمرین مسئولیت‌پذیری فراهم می‌آورد. در چنین فضایی، دانش‌آموزان اغلب نقش دریافت‌کننده منفعل اطلاعات را بر عهده دارند و کمتر در فرایند یادگیری، تصمیم‌گیری و حل مسئله مشارکت می‌کنند.از سوی دیگر، بسیاری از معلمان ابتدایی در فرایند تدریس با چالش‌هایی نظیر بی‌توجهی دانش‌آموزان به انجام تکالیف، ضعف در همکاری گروهی، عدم پایبندی به قوانین کلاس و نپذیرفتن مسئولیت اشتباهات فردی مواجه‌اند. این مسائل نه‌تنها بر کیفیت یادگیری تأثیر منفی می‌گذارد، بلکه فضای آموزشی کلاس را نیز با مشکلات انضباطی و رفتاری روبه‌رو می‌سازد. تداوم این وضعیت می‌تواند در بلندمدت به شکل‌گیری نگرش‌های منفی نسبت به یادگیری و کاهش احساس تعلق دانش‌آموزان به مدرسه منجر شود.

در پاسخ به این چالش‌ها، رویکردهای نوین آموزشی بر ضرورت استفاده از روش‌های فعال و دانش‌آموزمحور تأکید دارند. یادگیری مشارکتی یکی از این رویکردهاست که با سازمان‌دهی فعالیت‌های گروهی هدفمند، دانش‌آموزان را در موقعیت‌هایی قرار می‌دهد که ناگزیر از همکاری، تعامل و پذیرش مسئولیت‌های فردی و جمعی هستند. در این روش، موفقیت هر دانش‌آموز به موفقیت گروه وابسته است و همین وابستگی متقابل، زمینه تقویت حس مسئولیت‌پذیری را فراهم می‌سازد.

با این حال، علی‌رغم مزایای نظری و پژوهشی یادگیری مشارکتی، در عمل میزان بهره‌گیری نظام‌مند از این روش در کلاس‌های ابتدایی محدود است. برخی معلمان به دلیل کمبود آگاهی، فقدان آموزش‌های ضمن خدمت، محدودیت زمان یا تراکم بالای دانش‌آموزان، کمتر به استفاده از این رویکرد روی می‌آورند. در نتیجه، ظرفیت بالقوه یادگیری مشارکتی برای پرورش مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان به‌طور کامل مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرد.

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که چگونه می‌توان با به‌کارگیری یادگیری مشارکتی، مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی را تقویت کرد و این رویکرد چه نقشی در بهبود رفتارهای آموزشی و اجتماعی آنان دارد. پرداختن به این مسئله می‌تواند به شناسایی کارکردهای تربیتی یادگیری مشارکتی کمک کند و راهکارهایی عملی برای معلمان ابتدایی در جهت ارتقای کیفیت آموزش و تحقق اهداف تربیتی ارائه دهد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

پژوهش در حوزه آموزش ابتدایی از آن جهت حائز اهمیت است که این دوره، پایه و اساس شکل‌گیری شخصیت، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی دانش‌آموزان را تشکیل می‌دهد. تصمیم‌ها، روش‌ها و رویکردهایی که در این مقطع اتخاذ می‌شود، آثار بلندمدتی بر مسیر تحصیلی، اجتماعی و حتی شغلی افراد در آینده بر جای می‌گذارد. ازاین‌رو، توجه به مؤلفه‌های تربیتی همچون مسئولیت‌پذیری در کنار اهداف آموزشی، ضرورتی انکارناپذیر در نظام تعلیم و تربیت محسوب می‌شود.

مسئولیت‌پذیری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مهارت‌های زندگی، نقش اساسی در موفقیت فردی و اجتماعی دانش‌آموزان ایفا می‌کند. دانش‌آموزانی که از سنین پایین مسئولیت‌پذیری را می‌آموزند، در انجام وظایف تحصیلی، رعایت قوانین، همکاری با دیگران و حل مسائل اجتماعی عملکرد بهتری دارند. در مقابل، ضعف در این مؤلفه می‌تواند منجر به بروز مشکلات رفتاری، افت تحصیلی و کاهش انگیزه یادگیری شود. بنابراین، پرداختن به راهکارهای تقویت مسئولیت‌پذیری در دوره ابتدایی از اولویت‌های مهم تربیتی به‌شمار می‌آید.

از سوی دیگر، تحولات سریع اجتماعی، فرهنگی و فناوری در جهان امروز، انتظارات جدیدی را از نظام‌های آموزشی ایجاد کرده است. جامعه معاصر نیازمند افرادی خلاق، مشارکت‌جو، پاسخ‌گو و توانمند در کار گروهی است. تحقق این اهداف، مستلزم بهره‌گیری از روش‌های آموزشی نوین و کارآمد است که بتواند دانش‌آموزان را به‌طور فعال در فرایند یادگیری درگیر

کند. یادگیری مشارکتی در این میان، به‌عنوان رویکردی مؤثر و تجربه‌محور، ظرفیت بالایی برای پرورش مهارت‌های اجتماعی و اخلاقی دانش‌آموزان دارد.

اهمیت این پژوهش از منظر حرفه‌ای معلمان نیز قابل توجه است. معلمان دوره ابتدایی همواره با چالش‌هایی نظیر مدیریت کلاس، ایجاد انگیزه یادگیری و پرورش رفتارهای مطلوب اجتماعی در دانش‌آموزان مواجه‌اند. نتایج این پژوهش می‌تواند راهنمایی عملی برای معلمان باشد تا با به‌کارگیری یادگیری مشارکتی، علاوه بر ارتقای کیفیت یاددهی–یادگیری، فضای کلاس را به محیطی پویا، تعاملی و مسئولیت‌محور تبدیل کنند. از منظر علمی، این پژوهش می‌تواند به غنای ادبیات پژوهشی حوزه آموزش ابتدایی و روش‌های تدریس فعال کمک کند. بررسی نقش یادگیری مشارکتی در تقویت مسئولیت‌پذیری، زمینه‌ساز تولید دانش کاربردی و ارائه شواهد تجربی در حمایت از رویکردهای نوین آموزشی است. همچنین، نتایج آن می‌تواند مبنایی برای انجام پژوهش‌های بعدی در زمینه مهارت‌های اجتماعی و تربیتی دانش‌آموزان باشد.

در نهایت، ضرورت انجام این پژوهش از آن جهت است که یادگیری مشارکتی به‌عنوان رویکردی عملی، کم‌هزینه و قابل اجرا در کلاس‌های ابتدایی، می‌تواند به‌صورت مستقیم در بهبود کیفیت آموزش و تحقق اهداف تربیتی مورد استفاده قرار گیرد. امید است یافته‌های این پژوهش بتواند گامی مؤثر در جهت ارتقای مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان و بهبود عملکرد نظام آموزش ابتدایی بردارد.

چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری پژوهش حاضر بر تبیین مفهومی و نظری دو سازه اصلی «یادگیری مشارکتی» و «مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان» و همچنین بررسی رابطه متقابل میان آن‌ها استوار است. این چارچوب با بهره‌گیری از نظریه‌های یادگیری اجتماعی، سازنده‌گرایی و دیدگاه‌های تربیتی، مبنای تحلیلی پژوهش را فراهم می‌آورد و نقش یادگیری مشارکتی را به‌عنوان ابزاری مؤثر در پرورش مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی تبیین می‌کند.

۱-مبانی نظری یادگیری مشارکتی

یادگیری مشارکتی یکی از رویکردهای نوین آموزشی است که ریشه در نظریه‌های سازنده‌گرایی، به‌ویژه سازنده‌گرایی اجتماعی دارد. بر اساس این دیدگاه، یادگیری فرایندی فعال، پویا و اجتماعی است که در بستر تعاملات انسانی شکل می‌گیرد. ویگوتسکی با تأکید بر «منطقه مجاور رشد» معتقد است که یادگیری از طریق تعامل با دیگران و در چارچوب فعالیت‌های اجتماعی به سطح بالاتری ارتقا می‌یابد. از این منظر، کلاس درس محیطی اجتماعی تلقی می‌شود که در آن یادگیری فردی و جمعی به‌صورت هم‌زمان رخ می‌دهد.

یادگیری مشارکتی بر سازمان‌دهی دانش‌آموزان در گروه‌های کوچک، ناهمگون و هدفمند تأکید دارد؛ گروه‌هایی که اعضای آن برای دستیابی به اهداف مشترک آموزشی با یکدیگر همکاری می‌کنند. در این رویکرد، معلم نقش تسهیل‌گر و هدایت‌کننده را بر عهده دارد و دانش‌آموزان به‌عنوان یادگیرندگان فعال، مسئولیت یادگیری خود و دیگران را می‌پذیرند. از مهم‌ترین مؤلفه‌های یادگیری مشارکتی می‌توان به وابستگی متقابل مثبت، مسئولیت‌پذیری فردی، تعامل چهره‌به‌چهره، آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارزشیابی گروهی اشاره کرد.

۲-اصول و مؤلفه‌های یادگیری مشارکتی

وابستگی متقابل مثبت به این معناست که اعضای گروه احساس می‌کنند موفقیت هر فرد به موفقیت سایر اعضا وابسته است. این اصل موجب می‌شود دانش‌آموزان در انجام وظایف خود احساس تعهد بیشتری داشته باشند. مسئولیت‌پذیری فردی نیز تضمین می‌کند که هر دانش‌آموز در قبال نقش و وظایف محوله پاسخ‌گو باشد. تعامل مستقیم و مستمر میان اعضای گروه، فرصت‌هایی برای تبادل نظر، حل مسئله و یادگیری از همسالان فراهم می‌آورد و مهارت‌های اجتماعی نظیر همکاری، احترام متقابل و تحمل تفاوت‌ها را تقویت می‌کند.

مرور پژوهش‌های پیشین (داخلی)

پژوهش‌های داخلی متعددی به بررسی اثرات یادگیری مشارکتی بر جنبه‌های مختلف یادگیری و رفتارهای اجتماعی دانش‌آموزان پرداخته‌اند. اگرچه برخی از این پژوهش‌ها به‌طور مستقیم مسئولیت‌پذیری را مورد سنجش قرار نداده‌اند، نتایج آن‌ها نشان‌دهنده تأثیر مثبت یادگیری مشارکتی بر مهارت‌های اجتماعی، تعامل گروهی و پاسخ‌گویی دانش‌آموزان است که همگی از مؤلفه‌های اصلی مسئولیت‌پذیری به شمار می‌آیند.

رضایی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی در مدارس ابتدایی استان ایلام نشان دادند که استفاده از روش یادگیری مشارکتی موجب افزایش همکاری، پایبندی به قوانین کلاسی و تعهد به انجام وظایف گروهی در میان دانش‌آموزان شده است. این مطالعه بیانگر آن است که فعالیت‌های گروهی ساختارمند می‌تواند زمینه‌ساز تقویت مسئولیت‌پذیری فردی و جمعی دانش‌آموزان باشد.

حسینی (۱۳۹۹) نیز تأثیر یادگیری مشارکتی را بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دوره ابتدایی بررسی کرد. نتایج این پژوهش نشان داد که دانش‌آموزانی که با استفاده از روش‌های مشارکتی آموزش دیده‌اند، نسبت به دانش‌آموزان آموزش‌دیده به شیوه سنتی از سطح بالاتری از تعامل اجتماعی، پاسخ‌گویی و پایبندی به قوانین برخوردار بوده‌اند. این یافته‌ها نشان‌دهنده آن است که یادگیری مشارکتی می‌تواند به‌طور غیرمستقیم مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را تقویت کند.

کریمی و محمدی (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای دیگر تأثیر روش‌های تدریس فعال، به‌ویژه یادگیری مشارکتی، بر رفتارهای خودنظم‌دهی، انجام به‌موقع تکالیف و مشارکت فعال دانش‌آموزان در فعالیت‌های کلاسی را بررسی کردند. نتایج این پژوهش تأکید داشت که یادگیری مشارکتی به‌طور قابل توجهی مؤلفه‌های مرتبط با مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را تقویت می‌کند.

احمدی (۱۳۹۸) نیز رابطه بین یادگیری مشارکتی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ابتدایی را مورد مطالعه قرار داد. یافته‌های او نشان داد که تقسیم نقش‌ها و ارزیابی گروهی در چارچوب یادگیری مشارکتی بیشترین تأثیر را بر افزایش احساس مسئولیت فردی و گروهی دانش‌آموزان داشته است.

جمع‌بندی مرور پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد که یادگیری مشارکتی با تقویت مهارت‌هایی مانند همکاری، پاسخ‌گویی، پایبندی به مقررات و مشارکت فعال، بستر مناسبی برای پرورش مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان دوره ابتدایی فراهم می‌آورد. با این حال، پژوهش‌های متمرکز و جامع در زمینه اثر مستقیم یادگیری مشارکتی بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ابتدایی هنوز محدود است و پژوهش حاضر تلاش می‌کند این خلأ علمی را پر کند.

روش‌شناسی و جامعه پژوهش

۱-نوع پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش کاربردی – توصیفی همبستگی با رویکرد کمی و کیفی تلفیقی است. هدف اصلی این پژوهش بررسی نقش یادگیری مشارکتی در تقویت مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی می‌باشد و سعی دارد با جمع‌آوری داده‌های میدانی و تحلیلی، رابطه میان این دو متغیر را در بستر کلاس‌های درس بررسی کند.

۲-جامعه و نمونه

جامعه آماری این پژوهش شامل دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم مدارس ابتدایی استان کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۴۰۵–۱۴۰۶ می‌باشد. برای انتخاب نمونه، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و هدفمند استفاده شد تا مدارس و کلاس‌هایی که در آن‌ها امکان اجرای یادگیری مشارکتی فراهم است، در نمونه قرار گیرند. در نهایت، تعداد ۸۰ دانش‌آموز به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

همچنین برای جمع‌آوری دیدگاه‌های معلمان در خصوص اجرای یادگیری مشارکتی و مشاهده رفتار مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان، ۱۰ معلم ابتدایی به‌صورت نمونه هدفمند انتخاب شدند.

ابزار گردآوری داده‌ها

برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزارهای چندمنبعی استفاده شد:

۱. پرسشنامه مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان :شامل ۲۰ سؤال بسته‌بندی شده با مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (از بسیار کم تا بسیار زیاد) که توسط پژوهشگر بر اساس پژوهش‌های داخلی (رضایی، ۱۴۰۰؛ احمدی، ۱۳۹۸) بازبینی و بومی‌سازی شد.

۲. چک‌لیست مشاهده رفتار مشارکتی و مسئولیت‌پذیری در کلاس درس :برای ثبت مشاهدات رفتارهای دانش‌آموزان هنگام انجام فعالیت‌های گروهی طراحی شد.

۳. مصاحبه کوتاه با معلمان :برای جمع‌آوری داده‌های کیفی در خصوص اجرای یادگیری مشارکتی و تجربه‌های مشاهده مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان استفاده شد.

روش تحلیل داده‌ها

داده‌های کمی حاصل از پرسشنامه با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی تحلیل شد. شامل:

- شاخص‌های مرکزی (میانگین و انحراف معیار)
- آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین یادگیری مشارکتی و مسئولیت‌پذیری

- تحلیل رگرسیون ساده برای پیش‌بینی میزان مسئولیت‌پذیری بر اساس سطح مشارکت دانش‌آموزان

داده‌های کیفی حاصل از مشاهده و مصاحبه‌ها با روش تحلیل محتوا و استخراج الگوهای رفتاری مرتبط با مسئولیت‌پذیری تحلیل شد. این تحلیل به تکمیل و تبیین نتایج کمی پژوهش کمک کرده و به درک بهتر روند شکل‌گیری مسئولیت‌پذیری در بستر یادگیری مشارکتی می‌انجامد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش حاضر بر اساس داده‌های جمع‌آوری‌شده از پرسشنامه مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان، چک‌لیست مشاهده رفتار در کلاس درس و مصاحبه با معلمان ارائه شده است. داده‌ها به دو بخش کمی و کیفی تقسیم شده‌اند.

الف) نتایج کمی

۱. وضعیت مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان:

میانگین نمرات مسئولیت‌پذیری در کل نمونه ۳.۸۷از ۵ با انحراف معیار ۰.۴۲ محاسبه شد که نشان‌دهنده سطح نسبتاً بالای مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان تحت برنامه یادگیری مشارکتی است.

۲. مقایسه مسئولیت‌پذیری بر اساس جنسیت:

تحلیل داده‌ها نشان داد که میانگین نمرات مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان پسر ۳.۸۲و دانش‌آموزان دختر ۳.۹۱است. تفاوت بین دو گروه با استفاده از آزمون t مستقل بررسی شد و مشخص شد این تفاوت از نظر آماری معنادار نیست ($p > ۰.۰۵$).

۳. ارتباط یادگیری مشارکتی و مسئولیت‌پذیری:

با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون، رابطه بین میزان مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های گروهی و مسئولیت‌پذیری آنها بررسی شد. نتایج نشان داد که همبستگی مثبت و معناداری ($r = ۰.۶۴, p < ۰.۰۱$) بین یادگیری مشارکتی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان وجود دارد.

۴. پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری بر اساس یادگیری مشارکتی: تحلیل رگرسیون ساده نشان داد که سطح یادگیری مشارکتی توانایی پیش‌بینی ۴۱٪ از واریانس مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را دارد ($R^2 = ۰.۴۱, \beta = ۰.۶۴, p < ۰.۰۱$).

ب) نتایج کیفی

۱. مشاهدات کلاس درس:

دانش‌آموزان در فعالیت‌های گروهی به‌طور منظم نقش‌ها را ایفا کردند.

رعایت قوانین گروهی و کمک به همسالان در انجام تکالیف مشاهده شد.

بسیاری از دانش‌آموزان نسبت به وظایف محوله پاسخ‌گو بودند و تکالیف خود را به‌موقع انجام دادند.

۲. مصاحبه با معلمان:

معلمان گزارش دادند که استفاده از یادگیری مشارکتی باعث افزایش انگیزه دانش‌آموزان برای انجام مسئولیت‌های فردی و گروهی شده است.

معلمان همچنین اشاره کردند که دانش‌آموزان در تعامل با همسالان و حل مسائل گروهی مسئولانه‌تر عمل می‌کنند.

یافته‌های کمی و کیفی پژوهش نشان می‌دهد که یادگیری مشارکتی تأثیر مثبت و معناداری بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی دارد .به‌طور مشخص، میزان مشارکت فعال دانش‌آموزان در فعالیت‌های گروهی با افزایش رفتارهای مسئولانه و پاسخ‌گویی فردی و جمعی آنان همبستگی دارد.

بحث و تفسیر یافته‌ها

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش یادگیری مشارکتی در تقویت مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ابتدایی انجام شد. یافته‌های کمی و کیفی نشان داد که یادگیری مشارکتی با افزایش مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری دارد و مؤلفه‌های اصلی مسئولیت‌پذیری از جمله پاسخ‌گویی، همکاری، رعایت مقررات و مشارکت فعال را تقویت می‌کند.

۱-تبیین نتایج

یافته‌ها نشان داد دانش‌آموزانی که در فعالیت‌های گروهی و مشارکتی شرکت دارند، نسبت به انجام وظایف فردی و گروهی خود متعهدتر عمل می‌کنند. این امر به‌ویژه در تقسیم نقش‌ها، تعامل رو در رو و ارزیابی گروهی مشهود است. رفتارهای مشاهده‌شده شامل همکاری در انجام تکالیف، رعایت قوانین گروه و پاسخ‌گویی مسئولانه به وظایف محوله بود. همچنین میانگین نمرات مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان نمونه پژوهش (۳.۸۷ از ۵) نشان‌دهنده سطح نسبتاً بالای مسئولیت‌پذیری در محیط کلاس‌های مشارکتی است. تحلیل رگرسیون و همبستگی نیز تأیید کرد که سطح مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های گروهی توانایی پیش‌بینی بخش مهمی از مسئولیت‌پذیری آنان را دارد .این نتایج نشان می‌دهد که یادگیری مشارکتی به‌عنوان یک روش تدریس فعال، علاوه بر افزایش یادگیری محتوای درسی، موجب تقویت ویژگی‌های تربیتی و اخلاقی دانش‌آموزان نیز می‌شود.

۲-مقایسه با پژوهش‌های پیشین

نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش‌های داخلی و خارجی همسو است. به عنوان نمونه:

- رضایی و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند که یادگیری مشارکتی موجب افزایش همکاری و تعهد دانش‌آموزان به وظایف گروهی می‌شود.
- حسینی (۱۳۹۹) گزارش داد دانش‌آموزان آموزش‌دیده به شیوه مشارکتی از سطح بالاتری از تعامل اجتماعی و پایبندی به قوانین برخوردار بودند.
- احمدی (۱۳۹۸) نیز بیان کرد که تقسیم نقش‌ها و ارزیابی گروهی در یادگیری مشارکتی تأثیر مستقیم بر افزایش مسئولیت‌پذیری دارد.

این مطالعات نشان می‌دهند که یادگیری مشارکتی نه تنها باعث تقویت مهارت‌های اجتماعی می‌شود، بلکه زمینه رشد رفتارهای مسئولانه را نیز فراهم می‌آورد. بنابراین یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین داخلی و نظریه‌های سازنده‌گرایی اجتماعی و دیدگاه ویگوتسکی همخوانی دارد.

۳-تحلیل تربیتی یافته‌ها

از منظر تربیتی، نتایج پژوهش اهمیت یادگیری مشارکتی را در پرورش مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی برجسته می‌کند:

- ایجاد حس مسئولیت فردی و گروهی :تقسیم نقش‌ها و وابستگی متقابل مثبت باعث می‌شود دانش‌آموزان متوجه شوند کوتاهی آنان بر عملکرد گروه تأثیرگذار است و این تجربه مسئولیت‌پذیری اجتماعی را تقویت می‌کند.
- تقویت مهارت‌های اجتماعی و اخلاقی :تعامل مستمر با همسالان و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های گروهی، دانش‌آموزان را به همکاری، احترام متقابل و رعایت قوانین ترغیب می‌کند.

- پرورش خودنظمی و پاسخ‌گویی :انجام وظایف فردی و گروهی در چارچوب فعالیت‌های مشارکتی، مهارت خودنظمی و پاسخ‌گویی را در دانش‌آموزان بهبود می‌بخشد.

بدین ترتیب، یادگیری مشارکتی نه تنها به ارتقای یادگیری محتوای درسی کمک می‌کند، بلکه به‌عنوان ابزاری مؤثر برای تربیت اخلاقی و اجتماعی دانش‌آموزان نیز عمل می‌کند و می‌تواند در برنامه‌های آموزشی مدارس ابتدایی به‌طور گسترده مورد استفاده قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش یادگیری مشارکتی در تقویت مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ابتدایی انجام شد. یافته‌های کمی و کیفی پژوهش نشان دادند که یادگیری مشارکتی تأثیر مثبت و معناداری بر افزایش مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دارد.

نتایج نشان می‌دهند که:

دانش‌آموزانی که در فعالیت‌های گروهی مشارکت فعال دارند، نسبت به انجام وظایف فردی و گروهی خود متعهدتر عمل می‌کنند.

تقسیم نقش‌ها، وابستگی متقابل مثبت و ارزیابی گروهی، مؤلفه‌هایی هستند که به شکل قابل توجهی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را تقویت می‌کنند.

یادگیری مشارکتی علاوه بر افزایش مهارت‌های اجتماعی و همکاری، موجب ارتقای خودنظمی و پاسخ‌گویی در دانش‌آموزان نیز می‌شود.

بنابراین می‌توان گفت که پیاده‌سازی یادگیری مشارکتی در کلاس‌های ابتدایی می‌تواند راهکاری مؤثر برای پرورش مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان باشد و نقش مهمی در تربیت اخلاقی و اجتماعی آنان ایفا می‌کند.

پیشنهادها

الف) پیشنهادهای کاربردی برای معلمان

۱. استفاده منظم از فعالیت‌های گروهی و یادگیری مشارکتی در کلاس درس برای تقویت مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان.

۲. تعیین نقش‌های مشخص برای هر دانش‌آموز در گروه و تأکید بر پاسخ‌گویی فردی و گروهی.

۳. توجه به ارزیابی گروهی و ارائه بازخورد مستمر برای افزایش انگیزه و تعهد دانش‌آموزان.

۴. تقویت مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان از طریق فعالیت‌های مشارکتی و همکاری در حل مسائل گروهی.

۵. تشویق دانش‌آموزان به رعایت قوانین و مقررات کلاس به‌عنوان بخشی از تجربه مسئولیت‌پذیری.

ب) پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده

۱. بررسی تأثیر یادگیری مشارکتی بر مسئولیت‌پذیری در پایه‌های پایین‌تر و بالاتر ابتدایی برای مقایسه روند رشد این مهارت.

۲. انجام پژوهش‌های طولی برای بررسی اثرات بلندمدت یادگیری مشارکتی بر رفتار مسئولانه دانش‌آموزان.

۳. بررسی نقش یادگیری مشارکتی در تقویت سایر ویژگی‌های اخلاقی و اجتماعی دانش‌آموزان، مانند همکاری، همدلی و احترام متقابل.

۴. استفاده از ترکیب روش‌های کمی و کیفی در پژوهش‌های آینده برای تحلیل دقیق‌تر رفتارهای مسئولانه در محیط کلاس.

۵. مقایسه اثر یادگیری مشارکتی با روش‌های دیگر تدریس فعال در تقویت مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان.

منابع و مآخذ

۱. احمدی، ر .۱۳۹۸ .رابطه یادگیری مشارکتی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی .مجله علوم تربیتی، ۱۴(۳)، ۴۵–۶۲.

۲. حسینی، م .۱۳۹۹ تأثیر روش‌های تدریس مشارکتی بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان ابتدایی .فصلنامه پژوهش‌های آموزشی، ۱۲(۲)، ۷۹–۹۵.

۳. رضایی، م.، نوری، س & .،پوراسماعیل، ن ۱۴۰۰ .یادگیری مشارکتی و نقش آن در تقویت رفتارهای مسئولانه دانش‌آموزان .پژوهش‌نامه علوم تربیتی، ۱۵(۱)، ۵۳–۷۰.

۴. کریمی، س & .،محمدی، ر ۱۴۰۱ بررسی اثر روش‌های تدریس فعال بر خودنظمی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ابتدایی .فصلنامه تحقیقات آموزشی، ۱۶(۴)، ۹۵–۱۱۲.

۵. موسوی، ف ۱۳۹۷یادگیری مشارکتی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان ابتدایی: مطالعه موردی مدارس تهران .مجله مطالعات تربیتی، ۱۰(۱)، ۳۱–۴۸.

۶. جعفری، ه ۱۳۹۶ .نقش فعالیت‌های گروهی در پرورش مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی .پژوهشنامه علوم اجتماعی و تربیتی، ۸(۳)، ۶۵–۸۰.

۷. زارعی، ک۱۳۹۹ مقایسه یادگیری مشارکتی و روش سنتی تدریس در تقویت همکاری و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان .مجله روانشناسی تربیتی، ۱۳(۲)، ۴۷–۶۵.